

منبع	معدن	تجارت
منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منبع معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html		
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی « منبع »		
مدیرمسئول: عاطفه خسروی		
سازمان آگهی‌ها: ۰۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶		
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com		
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی--۱۰۸)		
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸		
تهران، خیابان قائم مقام فرهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱		
روابط عمومی: pr@smtnews.ir		
چاپخانه: صمیم		
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews	
	https://ble.ir/smtnews	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی		
عضو انجمن مدیران رسانه		
عضو تعاونی مطبوعات		



مسیرهایی که برای همه ساخته نشده‌اند

منبع: ایسنا

در بررسی اقتصاد ایران در نیمه دوم ۱۴۰۵ نمایان شد

«نااطمینانی» اصلی‌ترین ریسک کشور



شروع سال در شرایط جنگی

بودند، با شدت بیشتری خود را نشان دادند. تورم شتاب گرفت، ناترازی انرژی که پیش از این نیز یکی از مسائل جدی اقتصاد بود، با آسیب به بخشی از تامین‌کنندگان و زیرساخت‌ها پیچیده‌تر شد و فشار مالی بر دولت افزایش یافت. در همین حال، نیاز دولت به منابع پولی بیشتر شد و رشد نقدینگی را تحت‌تاثیر قرار داد. نظام بانکی نیز با ریسک‌ها

آسیب تداوم جنگ و تحریم

طی ۶ماه گذشته تورم افزایش یافت و از ۷۳.۵ درصد نقطه به نقطه در فروردین به ۸۹درصد در مرداد رسید. اگرچه تورم ماهانه مطابق روند سال‌های گذشته در تیر و مرداد با شروع تابستان کاهش یافت؛ اما با وجود اینکه که نرخ مشارکت نیروی کار در بهار ۲۰۵- درصد کاهش یافت، نرخ بیکاری ۱۸٫۸درصد افزایش یافت و به ۹۹٫۱درصد رسید. در نتیجه تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت در بهار ۱۴۰۵ نسبت به بهار ۱۴۰۴ به ترتیب ۱۰۰٫۱- درصد و ۴٫۶- درصد کاهش یافت. بیشترین کاهش تولید در صنعت و معدن اتفاق افتاد که ۱۴٫۷- درصد بود.

با توجه به شرایط جنگی و نااطمینانی‌های ناشی از آن کل تشکیل سرمایه‌گذاری ثابت در بهار۱۴۰۵ به میزان ۸۰۴-درصد کاهش یافت و در نتیجه کمبود سرمایه‌گذاری نسبت به استهلاک بیشتر شد و موجودی دارایی‌های فیزیکی کشور بیشتر کاهش یافت. بیشترین کاهش سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات به میزان ۹۸-درصد اتفاق افتاد که نشانه کاهش بیشتر سرمایه‌ها در بخش صنعت و معدن است.

درایت برای تداوم تاب‌آوری

صادرات بودند، بیشترین خسارت را دیدند. از سوی دیگر به‌دلیل عدم قطعیتی که خانوار با آن روبه‌رو بود هزینه‌های غیرضروری و معطوف به نیازهای بلندمدت کاهش یافت. در نتیجه انتظار می‌رود صنعت گردشگری و سایر صنایع مرتبط با نیازهای بلندمدت (به‌عنوان نمونه صنعت تولید لوازم خانگی) هم روزگار سختی را سپری کرده باشند. ۶ماه دوم سال برای بنگاه‌های اقتصادی با تداوم نااطمینانی‌ها آغاز شده است.

با زنجیره تامین بین‌المللی، نگرانی در مورد تاثیر کمبود حامل‌های انرژی، کاهش تقاضای خانوار به‌دلیل کاهش درآمد سرانه و فشار نقدینگی حاصل از تورم عدم قطعیت‌های پیش روی بنگاه‌های اقتصادی در نیمه دوم سال هستند. هر چند سیاستگذار ممکن است نتواند در مورد برخی از موارد اقدام سریع انجام دهد، اقداماتی که بتواند برخی از این فشارها را کاهش دهد، الزامی است. یکی از اقدامات لازم، گفت‌وگو با آحاد اقتصادی شامل خانوارها و بنگاه‌ها در مورد برنامه‌های دولت برای مدیریت مشکل کمبود حامل‌های انرژی است. تمرکز بر توسعه و به‌کارگیری ابزار مناسب

سخن پایانی

به شرایط کلان اقتصاد بستگی دارد. برآیند دیدگاه فعالان اقتصادی نیز نشان می‌دهد که مسیر صنعت و معدن به تامین پایدار انرژی و سوخت، ازسرگیری تجارت و ثبات و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد وابسته است. تا کنون اقتصاددان و فعالان اقتصادی، در بررسی چشم‌انداز اقتصاد ایران را در نیمه دوم ۱۴۰۵، نااطمینانی و نامشخص بودن روزه‌های پیش رو از مهم‌ترین ریسک در اقتصاد کشور می‌دانند. به‌نظر می‌رسد نااطمینانی بر تمام سپهر اقتصادی سایه انداخته و تصمیم‌ها و رفتار آحاد اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار داده است.

«نااطمینانی» به اصلی‌ترین ریسک کشور تبدیل شده است. در بلندمدت نیز کسری بودجه، رشد نقدینگی، اصلاحات اقتصادی، رفع تحریم‌ها و بازسازی اعتماد به سیاستگذاری، از عوامل تعیین‌کننده مسیر اقتصاد خواهند بود. صنایع و معادن نیز در نیمه دوم سال۱۴۰۵ با چند فشار همزمان مواجهند که چشم‌انداز فعالیت بنگاه‌ها را مبهم کرده است.

کارشناسان معتقدند ریسک‌های سیاسی و تامین انرژی، مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر اقتصاد ایران در نیمه دوم ۱۴۰۵ محسوب می‌شوند. رشد و تورم اقتصاد ایران تا پایان سال، بیش از هر چیز به تحولات ژئوپلیتیک، تداوم یا کاهش محدودیت‌های خارجی و مسیر روابط با جهان وابسته است. در مجموع تورم، ناترازی انرژی، گره‌های نظام بانکی، چندنرخی بودن ارز، تحریم و در نهایت جنگ، از جمله ریسک‌های موجود در اقتصاد ایران شناخته و بارها مورد بحث قرار گرفته‌اند. به باور برخی از تحلیل‌گران آنچه در ۶ماه گذشته رخ داده، نااطمینانی را به عاملی تبدیل کرده که بر شدت تمام این ریسک‌ها افزوده است.

در حقیقت اقتصاد ایران از اسفندماه سال گذشته درگیر تهاجم آمریکا و اسرائیل شد و سال۱۴۰۵ را در شرایط جنگی آغاز کرد. این جنگ علاوه بر تخریب مستقیم برخی صنایع و آسیب به زیرساخت‌های مختلف، نااطمینانی موجود در اقتصاد را نیز افزایش داد. در چنین شرایطی، مشکلاتی که پیش از جنگ نیز اقتصاد را تحت فشار قرار داده

علینقی مشایخی، اقتصاددان: اقتصاد ایران قبل از دو جنگ اخیر نیز در وضعیت ضعیفی بود. سرمایه‌گذاری کمتر از استهلاک شده بود. کمبود برق و گاز به فعالیت‌های تولیدی لطمه می‌زد. بیکاری زیاد بود. سرمایه‌گذاری خارجی اتفاق نمی‌افتاد. هزینه‌های دولت بیشتر از درآمدها بود و کسری بودجه به حجم نقدینگی اضافه شده بود. رشد حجم نقدینگی تورم را افزایش داده بود. جمعیت بیشتری به زیر خط فقر می‌رفت. قیمت‌گذاری‌ها و ارزی‌ها چند نرخی زمینه فساد و قاچاق را فراهم می‌ساخت. اتلاف انرژی در کشور به تدریج بسیار زیاد شده بود؛ به‌طوری‌که برای یک واحد درآمد ملی چندبرابر دیگر کشورها انرژی مصرف می‌شد. شروع دو جنگ عدم‌اطمینان‌ها را بیشتر کرد. برخی زیرساخت‌ها و صنایع بزرگ و پایه نظیر فولاد، پتروشیمی، گاز و برق ضربه خورد. صادرات نفت و پتروشیمی کاهش یافت. تحریم‌ها و محاصره کاهش صادرات را بیشتر کرد. کمبود درآمد ارزی از یک طرف و افزایش تورم از طرف دیگر نرخ ارز را به‌شدت افزایش داد. در نتیجه شرایط بالا

فرشاد فاطمی، اقتصاددان: سال ۱۴۰۵ با سایه جنگ تحمیلی به کشورمان آغاز شد. مقاومت ملی ایرانیان در دو جنگ نابرابر در فاصله کمتر از یک سال نشان از تاب‌آوری بالای اقتصاد ایران می‌داد و این عملکرد از انتظار خوش‌بین‌ترین ناظران اقتصادی هم بهتر بود. البته تداوم نرخ رشد منفی در کنار عدم دسترسی به زنجیره تامین بین‌الملل، به همراه احتمال رسیدن نرخ تورم به مرز رکوردهای ۳رقمی نیازمند توجه بیشتر سیاستگذاران اقتصادی و غیراقتصادی در یافتن راهی برای عبور از این شرایط است.

نااطمینانی حاصل از شرایط موجود تصمیمات بنگاه‌ها و خانوارهای ایرانی را تغییر داد و توجه بنگاه‌ها به درستی بر توان تداوم فعالیت در شرایط سخت معطوف شد. در ۶ماه اول سال، صاحبان کسب‌وکار ریسک‌های کمتری انجام دادند و بیشتر بر مدیریت نقدینگی خود تمرکز داشتند؛ چراکه تورم بالا باعث تشدید مشکل نقدینگی خواهد شد. علاوه بر بنگاه‌هایی که مستقیماً از خرابی‌های ناشی از جنگ صدمه دیدند، صنایعی که اختلال در زنجیره تامین چه آنها که وابسته به واردات یا

در بلندمدت نیز کسری بودجه، رشد نقدینگی، اصلاحات اقتصادی، رفع تحریم‌ها و بازسازی اعتماد به سیاستگذاری، از عوامل تعیین‌کننده مسیر

دو وجه متفاوت اصلاحات اقتصادی



محمدمهدی بهکشی اقتصاددان

سال گذشته سال بسیار پرتلاهی بود. جنگ ۱۲روزه و جنگ ۳۹روزه توان اقتصادی جامعه را به‌شدت تحلیل برد و اکثریت غالب افسراد جامعه نه‌تنها وضعیت مناسبی ندارند، بلکه روبه‌روز نیز شرایط نامساعدتری پیدا می‌کنند. تورم، به‌خصوص در بخش مواد غذایی، به بیش از ۱۰۰درصد رسیده است و شرایطی که در پایان ۶ماه نخست سال با آن مواجه هستیم، با دلار ۲۳۰هزار تومانی، زندگی را بسیار دشوار کرده است. حقوق یک استاد دانشگاه در وضعیت فعلی، کفاف تامین روزانه ۲ساندویچ را می‌دهد و یک کارمند متوسط در سیستم، قطعاً حقوق کمتری از استاد دانشگاه دریافت می‌کند و ممکن است درآمد او صرفاً کفاف یک ساندویچ در روز را بدهد. این وضعیت قابل دوام نیست و متأسفانه در سیاست‌های دولت نیز تصمیم یا اقدامی که بتواند مسیر موجود را تغییر دهد، دیده نمی‌شود.

وضعیت نه جنگ و نه صلح، از خود جنگ نیز بدتر است؛ چراکه در دوران جنگ، تکلیف افراد روشن است. تا زمانی که جنگ ادامه دارد، مردم مصرف خود را تا حد امکان کاهش می‌دهند و در پناهگاه‌ها زندگی می‌کنند؛ اما مردم در زمانی که نه جنگ است و نه صلح، نمی‌دانند چه باید کنند. نه شرایط آن‌چنان است که به پناهگاه بروند و نه آن‌چنان است که بتوانند به کسب‌وکار خود بپردازند. در چنین شرایطی، بسیاری از مردم حتی امکان پرداخت اجاره محل کسب خود را نیز ندارند؛ چراکه علاوه بر تورم، تقاضا به‌شدت کاهش یافته و قدرت خرید مردم پایین آمده است. نباید از خاطر ببریم که حدود ۱۰سال است دولت هر سال ۲۰ تا ۳۰درصد قدرت خرید حقوق کارمندان را کاهش می‌دهد؛ زیرا تورم وجود دارد.

هر سال حدود ۳۰درصد افزایش حقوق اعمال می‌شود، اما تورم بیش از این میزان افزایش می‌یابد و در نتیجه، قدرت خرید مردم کاهش پیدا می‌کند. اکنون که با تورمی در حدود ۱۰۰درصد مواجه هستیم، قدرت خرید حقوق‌بگیران ثابت، از جمله کارمندان، کارکنان بخش خصوصی، مهندسان و سایر پرسنل، سالانه بین ۷۰ تا ۸۰درصد کاهش یافته است.

زمانی که قدرت خرید کاهش پیدا کند، پروتئین کمتری در سفره خانوار قرار می‌گیرد، امکانات کمتری در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد و بسیاری از افرادی که در گذشته درآمد متوسطی داشتند و در آپارتمان‌های متوسط در شمال شهر زندگی می‌کردند، دیگر نمی‌توانند با حقوق خود حتی هزینه شارژ واحدشان را بپردازند. گروهی می‌گویند این افراد باید خانه‌های خود را بفروشند و به خانه‌های ارزان‌تر بروند؛ اما در نظر نمی‌گیرند که این افراد به سنین بالاتر رسیده‌اند و دیگر توان و امکان فروش خانه و جابه‌جایی ندارند. علاوه بر این، چنین پیشنهادی اساساً منصفانه نیست.

سرمایه‌گذاری تقریباً به صفر رسیده است و حتی به اندازه استهلاک سرمایه نیز سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود. مسیر صادرات و واردات نیز بسته شده و در محاصره قرار داریم. اینکه چه کسی مقصر است، موضوع بحث ما نیست؛ مسئله این است که مردم ایران با این همه امکانات، هوش، فراست و تلاشی که در زندگی کرده و می‌کنند، نباید در چنین وضعیتی گرفتار شوند. در شرایط فعلی روزه‌نه امیدی دیده نمی‌شود و در صورت ادامه این شرایط در نیمه دوم امسال، قطعاً تورم افزایش خواهد یافت؛ چراکه درآمد نفت دیگر وجود ندارد یا اگر وجود داشته باشد، آن‌قدر محدود است که کفاف هزینه‌های دولت را نمی‌دهد. دولت در چنین شرایطی ناچار است برای پرداخت حداقل حقوق کارمندان که ارزش آن به‌شدت کاهش یافته است، پول چاپ کند یا از مسیرهای غیرمستقیم حجم پول را افزایش دهد که مستقیماً به افزایش تورم منجر می‌شود.

البته تورم فقط به پایه پولی متصل نیست و طرف عرضه نیز بر تورم اثرگذار است. زمانی که نرخ ارز بر اثر شوک‌های سیاسی افزایش پیدا می‌کند، طبیعی است که نرخ اجناس نیز افزایش یابد و اقتصاد به سمت دلاریزشدن حرکت کند. اقتصادی که خود را با دلار هماهنگ می‌کند، طبیعی است که توجه کمتری به ریال داشته باشد. در ماه‌های آینده ممکن است با تورمی بالاتر از ۱۰۰ درصد مواجه شویم؛ چراکه حساسیت‌ها کاهش می‌یابد، معاملات تقریباً به حداقل خود می‌رسد و خشم و عصبانیت اجتماعی نیز مانند فتری در حال جمع‌شدن است.

همه ما باید نسبت به این انباشت خشم، عصبانیت و مطالبه‌گری که مردم بحق دارند، نگران باشیم؛ چراکه این خشم، در نهایت، می‌تواند باعث بروز رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی شود. خانواده‌ای که فرزند بیمار دارد و نمی‌تواند داروی او را تهیه کند یا هزینه ویزیت پزشک او را بپردازد، طبیعتاً بسیار خشمگین خواهد شد. هنگامی که فضای سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی بسته شود و جوان‌ها نتوانند آزادانه در مطبوعات و احزاب فعالیت کنند، فعالیت‌های آنان به فعالیت‌های زیرزمینی تبدیل خواهد شد. بسیاری از جوان‌ها ممکن است متأسفانه جذب گروه‌هایی شوند و به فعالیت‌های زیرزمینی روی بیاورند و در نتیجه، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شویم؛ مشکلاتی بیش از آنچه امروز با آن روبه‌رو هستیم.

همیشه می‌گوییم اصلاحات اقتصادی دو وجه دارد؛ هزینه‌های اصلاحات و منافع آن. منافع این اصلاحات را همزمان دولت و مردم دریافت می‌کنند؛ اما نمی‌توان هزینه آن را تنها بر دوش مردم گذاشت. اگر قرار است نرخ بنزین افزایش یابد، نمی‌توان این هزینه را صرفاً به مردم تحمیل کرد. این رویکرد اشتباه است و دولت باید بخشی از این هزینه را بر عهده بگیرد؛ یعنی مواضع سیاسی خود را تا حدی تعدیل کند تا مردم بتوانند درآمد بیشتری کسب کنند و از عهده هزینه‌های بالاتر نیز برآیند. این امکان وجود دارد که ناترازی انرژی در ۶ماه دوم پدیدار شود و اختلالاتی در نظام حمل‌ونقل مشاهده شود.

کرایه‌ها آن‌قدر افزایش می‌یابد که مردم عادی ناچار می‌شوند استفاده از تاکسی را متوقف کنند و از عهده هزینه‌های خودروهای شخصی خود نیز برنمی‌آیند. در چنین شرایطی، سیستم حمل‌ونقل عمومی نیز پاسخگوی این حجم از رفت‌وآمدهای میلیونی نخواهد بود. دولت باید راه آشتی یا غروب را بیابد. مانند هر کشور دموکراتیک دیگری، اگر افرادی نمی‌توانند این وظیفه را به انجام برسانند، باید کنار بروند و افرادی دیگر که توانایی انجام این کار را دارند، انتخاب شوند؛ چراکه مملکت به گروه‌های خاص تعلق ندارد و متعلق به همه مردم است. توصیه می‌شود مقتضیات جهان را در نظر بگیریم، مقتضیات جهان به‌گونه‌ای است با توجه به تحریم‌های ظالمانه، تجارت آزاد برای ما بسیار مشکل شده است. عاقلانه نیست کشوری ضعیف که بودجه نظامی آن ۱۰میلیارد دلار است، با کشوری که بودجه نظامی آن بیش از هزارمیلیارد دلار است، سرشاخ شود؛ چراکه ممکن است صدمات جدی به آن کشور وارد شود. باید با ملت آشتی کرد و با مردم ارتباط بیشتری داشت تا بتوان با کمک یکدیگر مشکلات را حل کرد.